

روح القدس و کار او
درس ۱۰: خواندگی ثمربخش
دکتر آر. سی. اسپرول

هر بار که درباره‌ی برگزیدن یا از پیش برگزیدگی و حاکمیت مطلق فیض الهی صحبت می‌کنیم، بلافاصله باید با این سؤال مواجه بشیم که وقتی خدا در زندگی شخص مداخله می‌کند تا اون شخص ایمان بیاره، او چی کار می‌کنه. ما در سراسر تاریخ کلیسا درباره‌ی این موضوع و تمایز تاریخی بین مکتب آگوستینی مباحثه‌ای رو داریم که می‌گه برگزیدن کاملاً عمل حاکمانه‌ی مطلق خدا و مکتب نیمه پلاچیوسی هست که مخاطره‌ی دوستانه رو بین انسان و خدا می‌بینه.

این مسأله در نهایت، معمولاً به این سؤال میرسه که در چه مقطعی یا چه‌طوری یک گناهکار به سوی ایمان نجات بخش میاد؟ و دوباره، هر دو طرف، کالونیزم و آرمینیانیزم، آگوستینیانیزم و نیمه پلاچیانیزم، هر دو موافقت می‌کنن که فیض ضرورت مطلق و اساسی برای نجاته. فرقی در اینه که فیض تا چه گستره یا درجه‌ای ضروریه.

و به نکته‌ی تولد تازه میرسه، یادتونه که درباره‌ی تولد تازه به عنوان یکی از اعمال روح القدس صحبت کردیم، سؤال اینه که در قدم اول رویگردانی گناهکار از مرگ روحانی به حیات روحانی، آیا این قدم توسط چیزی انجام شده که ما مانرجیزم یا سینرجیزم می‌نامیم؟

من می‌تونم بگم کل مباحثه‌ی بین آرمینیانیزم و کالونیزم، بین نیمه پلاچیانیزم و آگوستینیانیزم، به این دو کلمه و توضیحشون خلاصه میشه. اما، معنی این‌ها چیه؟ خُب، مانرجیزم، همون‌طور که این کلمه نشون میده، برگرفته از پیشوند "مان" هست که یعنی یک و کلمه‌ی "ارج" در زبان انگلیسی به یک واحد کار یا نیروی کار اشاره می‌کنه (پس در ریشه‌ی کلمه‌ی "انرژی" هست، پس مانرجیزم در مورد یک کارگر یا یک نفری هست که کار رو انجام میده).

سینرجیزم مربوط به دو یا چند نفره که با هم کار می‌کنند. پیشوند "سین" یعنی "با، یا با هم‌دیگه"، پس این مربوط به همکاری یا مبادرت گروهی هست. دوباره، آکوپناس اونو این‌طوری درک کرد: آیا فیض تولد تازه، فیض عمل‌کننده هست یا فیض همکاری‌کننده؟ وقتی خدا کسی رو که در گناه و شرارت مُرده، احیا می‌کنه؛ وقتی روح القدس به گناهکار تولد تازه میده، آیا او به یک عمل نیرو میبخشه و آیا او قدرت خودش را به ممارست و تلاش شخص گناهکار که داره توان خودش را میگذاره وام میده تا شاید تاثیر مورد نظر ایجاد بشه؛ یا عمل تولد تازه یک جانبه هست عمل مانرجیستیک خداست؟

آیا خدا و فقط خداست که دل گناهکار رو تبدیل می‌کنه؛ یا این که خدا مساعدت می‌کنه که دل گناهکار تبدیل بشه و در نهایت عمل فیض‌بخش تبدیل دل او به خود شخص گناهکار بستگی داره که تبدیل بشه؟ در همکاری

او با پیشنهاد فیض نجات بخش نهایتاً به همین جا میرسه. بیایید به بعضی از بخش‌های کتاب مقدس نگاهی بندازیم، متونی که به این مطلب مورد نظر ما در این قسمت مربوطه.

من فکر می‌کنم که ما قبلاً به متن افسسیان نگاه کردیم، اما دوباره به سراغش خواهیم رفت، چون خیلی مهمه. باب ۲ افسسیان. "و شما را که در خطایا و گناهان مرده بودید، زنده گردانید، که در آن‌ها قبل، رفتار می‌کردید برحسب دوره این جهان بر وفق رئیس قدرت هوا یعنی آن روحی که الحال در فرزندان معصیت عمل می‌کند. که در میان ایشان، همه ما نیز در شهوات جسمانی خود قبل از این زندگی می‌کردیم و هوس‌های جسمانی و افکار خود را به عمل می‌آوردیم و طبعاً فرزندان غضب بودیم، چنان که دیگران."

حالا پولس به گذشته نگاه می‌کنه و با دوستانش و ایمانداران دیگه در بین مسیحیان افسسیان صحبت می‌کنه و به اون‌ها یادآوری می‌کنه که کی اون‌ها رو از مرگ روحانی زنده کرد. وقتی اون‌ها در گناهان و خطایاشون مرده بودند، خدای روح القدس اون‌ها رو زنده کرد، از مرگ روحانی زنده کرد.

من به شما یادآوری می‌کنم که مردگان همکاری نمی‌کنند. قیاس موردعلاقه‌ی من برای چیزی که پولس این جا در موردش صحبت می‌کنه، رستاخیز ایلعازر از قبره. ایلعازر، چهار روز مرده بود و تنها قدرت عالم که تونست این جسد رو از اون غار بیرون بیاره، قدرت خلاق و انرژی بخش خدا بود و مسیح از ایلعازر دعوت نکرد که از قبر بیرون بیاد.

او صبر نکرد که ایلعازر همکاری کنه. او گفت: "ایلعازر، بیرون بیا،" و با قدرت الهی محض این فرمان، مرده زنده شد. بعد البته که او بعدش همکاری کرد، یعنی از قبر بیرون اومد، اما در هنگام تبدیل ماهیتش از مرگ به حیات، هیچ همکاری‌ای نبود.

و به همین ترتیب، می‌شنویم که پولس این جا می‌گه شما در جایگاه مرگ روحانی هستید. ذاتاً فرزند غضب هستید. و بر اساس کلام عیسی، هیچ کس نمی‌تونه نزد پدر بیاد، مگر این که پدر این رو بهش عطا کنه. و در جسم نمی‌تونید کاری بکنید، و به این معنا نیست که یک ذره کاری بکنید.

و شما خودتون به تنهایی هرگز امور خدا رو انتخاب نخواهید کرد. و وقتی در این جایگاه مرگ روحانی هستید، بر اساس جریان این دنیا گام برمی‌دارید، بر اساس رئیس قدرت هوا گام برمی‌دارید، از شهوت جسمتون اطاعت می‌کنید، مثل همه‌ی افراد دیگه در دنیا، و در حالی که در این جایگاه هستید، خدا شما رو زنده می‌کنه.

حالا بعد از این که شما رو زنده می‌کنه، آیا مایل به رابطه می‌شید، خودتون رو می‌کشید و می‌ایید و اصلاً ایمان میارید؟ بله! اما آیا این قدم اولیه، قدم اول، چیزیه که فقط خدا انجام میده؟ یا خدا فقط به سراغتون میاد و شما رو تحریک می‌کنه و می‌گه: "بیا دیگه!"، شما رو اغوا می‌کنه. تشویق می‌کنه. توی گوش مرد کر زمزمه می‌کنه: "بیا دیگه!" می‌دونید، با مرده صحبت می‌کنه و می‌گه: "میشه لطفاً با من همکاری کنی؟ امروز انتخاب کن که چه

کسی رو می‌خوای خدمت کنی." نه. اون مداخله می‌کنه تا وضعیت قلب کسی رو که از لحاظ روحانی مُرده، با روح‌القدسش تبدیل کنه.

حالا، پولس ادامه میده. "لیکن خدا که در رحمانیت، دولتمند است، از حیثیت محبت عظیم خود که با ما نمود، ما را نیز که در خطایا مرده بودیم با مسیح زنده گردانید." چه زمانی خدا ما رو زنده می‌کنه؟ وقتی مُرده بودیم. "زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید. و با او برخیزانید و در جای‌های آسمانی در مسیح عیسی نشانید. تا در عالم‌های آینده دولت بی‌نهایت فیض خود را به لطفی که بر ما در مسیح عیسی دارد ظاهر سازد." دوباره، کل این موضوع، عملی هست که پولس شگفتی‌های حیرت‌انگیز فیض الهی رو تحسین می‌کنه.

این جا از پاراگراف اول نامه به افسسیان که درباره‌ی شیرینی از پیش برگزیدگی صحبت می‌کنه، درباره‌ی برگزیدگی در مسیح و همه‌ی این‌ها برای جلال فیض خدا، و حالا نشون میده که خدا چه‌طوری این رو به عمل میاره و دولتمندی بسیار زیاد فیضش رو در مهربانی نسبت به ما در مسیح عیسی نشون میده.

بعد دوباره اینو می‌گه. به این گوش کنید. آیه‌ی ۸: "زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، بوسیله‌ی ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند. زیرا که صنعت او هستیم، آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا قبل مهیا نمود تا در آن‌ها سلوک نماییم."

حالا توجه کنید که او می‌گه با فیض از طریق ایمان نجات یافتیم. و بعد می‌گه: "این از شما نیست." حالا سؤالی که باید بپرسیم، اینه که مرجع "این" چیه؟ آیا نجاته؟ فیضه؟ نه. از لحاظ دستور زبان، مرجع "این"، کلمه‌ی "ایمان" هست. شما از طریق ایمان عادل شمرده شدید، اما حتی ایمانی که دارید، چیزی نیست که شما تولید کرده باشید.

این از شما نیست. این از دل سخت بیرون نیامد. از ماهیت سقوط کرده نیامد. این عمل خلاقانه‌ی خداست. و این از شما نیست، عطیه‌ی خداست. و این چیزیه که ما در صحبت درباره‌ی از پیش برگزیدگی مضاعف می‌گیم؛ که در قلب افراد برگزیده، خدا در زندگیشون مداخله می‌کنه، وضعیت روحانی اون‌ها رو تبدیل می‌کنه، ایمان رو در دلی ایجاد می‌کنه که خالی از ایمان بود.

حالا این برای نیمه پلاجیوسی‌های تمام دوران‌ها کاملاً مشمئزکننده هست. اون‌ها میگن خدا نجبیه، روح‌القدس نجبیه، می‌دونید، او هرگز یک طرفه وارد نمیشه و دل یک نفر رو برخلاف اراده‌اش تبدیل نمی‌کنه. یادتون باشه که اراده‌ی ما همیشه و در همه جا با خدا مخالفت می‌کنه.

و تنها راهی که می‌تونیم مسیح رو با خواست خودمون انتخاب کنیم، اینه که خدا مداخله کنه تا ما رو با خلقت تازه در روح، مشتاق بسازه. تبدیل کردن وضعیت قلبی. ما رو از مرگ روحانی زنده کنه و حیات روحانی عطا کنه و حالا نه تنها میتونیم مسیح رو انتخاب کنیم بلکه مسیح رو انتخاب خواهیم کرد، و با خواست خودمون.

من یادمه همون طور که قبلاً گفتم، یک نفر از کسی این طور سؤال می کرد که آیا او به کالونیزم ایمان داره. و این استاد گفت: "نه، نه، نه." او می گه: "من به خدایی که یک طرفه انتخاب می کنه که بعضی نجات پیدا کنند و اونها رو با لگد و داد و فریاد، برخلاف اراده شون وارد ملکوت خدا می کنه، ایمان ندارم، خدایی که همزمان دیگران رو که شدیداً می خوان اونجا باشن، از خودش دور می کنه."

وقتی من این رو شنیدم، می دونید، فقط سرم رو تکون دادم و گفتم: "وای! اگه این کالونیزم هست، من هم مثل این مرد با کالونیزم مخالفت می کنم." چه طور می تونه این قدر تحریف بشه؟ او می گفت خدا یک طرفه عمل می کنه. خدا هرگز یک طرفه عمل نمی کنه. و فقط به خاطر این که دلیل برگزیدگی شما در خودتون نیست، به این معنا نیست که خدا دمدمی و از روی هوس و یک طرفه عمل می کنه و دلیلی برای برگزیدگی نداره، بلکه او ادامه میده و می گه خدا یک طرفه بعضی رو انتخاب می کنه و اونها رو با مشت و لگد و داد و فریاد، برخلاف اراده شون میکشه.

کل نکته ی تولد تازه، تبدیل اراده در جایی هست که افرادی که مشتاق نیستند، توسط روح خدا مشتاق میشن. کسانی که از امور خدا متنفر بودند، چون از لحاظ روحانی مُرده بودند، حالا یک گرایش کاملاً جدید دارند، یک قلب تازه. برای همین عیسی گفت، تا زمانی که تولد تازه نیابید، حتی نمی تونید ملکوت خدا رو ببیند، چه برسه به ورود به اون.

عیسی می بینه که شرط ضروری برای ورود به ملکوت خدا، قدم اول و کاملاً ضروری برای هر پاسخ ایمان، اینه که شما تولد تازه بیابید. حالا، تفاوت اساسی بین الهیات اصلاحات و الهیات غیر اصلاحات، ترتیب نجات در رابطه با رابطه ی ایمان و تولد تازه هست. اکثر مسیحیان انجیلی معترف معتقدند که ایمان پیش از تولد تازه میاد. به عبارت دیگه، برای این که تولد تازه بیابید، باید ایمان داشته باشید. باید مسیح رو انتخاب کنید. اگه مسیح رو انتخاب کنید و تصمیمتون رو بگیرید، در این صورت در پاسخ به این انتخاب و این تصمیم، خدا به شما تولد دوباره میده. و الهیات اصلاحات، از زمان آگوستین به دنبال این بوده، یا باید بگم از زمان پولس.

چون اگه این طور بود، من هیچ امیدی برای نجات کسی در این دنیا نداشتم. چون مهم نیست که چه قدر متقاعد کننده هستید، مهم نیست چه قدر فصیح صحبت می کنید، مهم نیست چه قدر قدرت دارید، مهم نیست چه قدر تأثیرگذار هستید، چه طوری در دنیا می تونید کسی رو که از لحاظ روحانی مُرده و با خدا دشمنی داره، کسی رو که کاملاً در جسمه، متقاعد کنید، کسی که بدون تولد تازه و تولد دوباره حتی نمی تونه ملکوت خدا رو ببینه، چه طوری می تونید این شخص رو متقاعد کنید که مسیح رو انتخاب کنه، کسی رو که اصلاً نمی خواد؟

من نمی تونم قلب دیگران رو تبدیل کنم. می تونم پیغام رو ارائه کنم. می تونم براش استدلال کنم و سعی کنم متقاعد کننده باشم. می تونم براش نمونه بدم. می تونم نسبت به انجیل وفادار باشم. اما تا زمانی که خدا قلب رو تبدیل نکنه، من می تونم بکارم، یک نفر دیگه آبیاری کنه، اما فقط خدا می تونه رویش را بیاره. فقط خدا قدرت

داره ماهیت روح انسان رو تبدیل کنه. پس ما می‌گیم تولد تازه بر ایمان مقدم هست. این موضوع خلاصه‌ی الهیات اصلاحاته. این که خدای روح‌القدس، اول وضعیت روح رو پیش از این که کسی ایمان بیاره، تبدیل می‌کنه.

حالا وقتی من ایمان میارم، این ایمان کیه؟ آیا خدا از طریق من ایمان میاره؟ نه. من ایمان میارم. آیا من مسیح رو انتخاب می‌کنم؟ بله، من مسیح رو انتخاب می‌کنم. خدا برای من انتخاب نمی‌کنه. من مسیح رو انتخاب می‌کنم، من پاسخ میدم، من با مشیت و لگد و داد و فریاد برخلاف اراده‌ام کشیده نمیشم. کل نکته اینه که اراده‌ی من تبدیل شده، پس حالا چیزی رو که قبلاً از اون متنفر بودم، الان دوست دارم و با عجله به طرف پسر میرم، چون این چیزیه که می‌خوام. چون خدا در جانم، اشتیاقی برای خودش به من داده.

و بعد بخش دیگه‌ی این تحریف؛ خدا افرادی رو که شدیداً می‌خوان اون جا باشند، از خودش دور می‌کنه. این چه تحریفی در دیدگاه کتاب مقدس درباره‌ی انسان طبیعی هست که فکر می‌کنه انسان طبیعی، شدیداً سعی می‌کنه خدا رو پیدا کنه، سعی می‌کنه وارد ملکوت بشه، اما خدا می‌گه: "نه، متأسفم. تو در فهرست نیستی."

تو نمی‌تونی وارد بشی. "یادتون باشه که کل نژاد بشر در گناه مُرده. هیچ کس سعی نمی‌کنه بدون فیض خدا، فیض خاص خدا، نزد مسیح بیاد. نهایتاً همون‌طور که گفتم، هر دو طرف در این مشاجره موافقند که فیض یک شرط ضروری هست. در جایی که اون‌ها واقعاً با نکته‌ی مانر جیزم و سینر جیزم مخالفت می‌کنند، در مورد اینه که فیض تولد تازه مؤثره."

یا اگه از زبان متداول‌تر استفاده کنیم، مقاومت ناپذیره. افرادی هستند که می‌گن باید فیض خدا رو داشته باشید تا نزد مسیح برید. قبل از این که چیزی اتفاق بیفته، فیض باید اول بیاد. باید از قبل باشه یا پیشاپیش بیاد. اما این فیضی که از قبل میاد و بدون اون حتی نمی‌تونستید نزد مسیح برید، مقاومت ناپذیر نیست.

شما قدرت دارید اونو رد کنید. پس دوباره، این فیض مدد کننده است که به شما ارائه شده، یا باهاش همکاری می‌کنید یا همکاری نمی‌کنید. و تحلیل نهایی این که، کل نجات شما درحالی که هنوز در گناه و خطایاتون مُردید، وقتی که هنوز نجات نیافتید، زمانی که هنوز فرزند تاریکی و در جسم هستید، پیش از این که تولد دوباره بیابید، کل نجات شما بستگی به همکاریتون داره.

پس من می‌گم این یک الهیات نا امیدکننده هست. اگه من به این ایمان داشتم، پنج دقیقه هم در خدمت نمی‌موندم. من فردا صبح بیشتر می‌خواهیدم، چون این دیدگاه کتاب مقدس رو درباره‌ی ماهیت اساسی سقوط بشر جدی نمی‌گیره. این که ما صرفاً قادر نیستیم خودمون رو تبدیل کنیم، و حتی باهاش همکاری کنیم، چون این همکاری، می‌بینید که فرض می‌کنه تغییری اتفاق افتاده. و تا زمانی که این تغییر اتفاق نیفته، هیچ کس هرگز همکاری نخواهد کرد.

من به سادگی به دوستانم می‌گم: "آیا شما مسیحی هستید؟" اون‌ها می‌گن، بله. من می‌گم: "دوستان شما یا همسایه یا اعضای خانواده شما مسیحی نیستند." "درسته." "چرا شما ایماندارید و اون شخص ایماندار نیست؟ آیا به خاطر اینکه خدا به شما فیض عطا کرده که به اون‌ها عطا نکرده"، "آه، نه، نه، نه!"

خدا به ما فیض برابر داده! "من می‌گم: "باشه، اگه خدا به شما فیض برابر داده و شما ایماندارید و اون شخص نیست، پس چرا این‌طوره؟ آیا به خاطر اینکه خدا عادل‌تر از اون شخص هستید؟"

و اون‌ها هر صد باری که این مطرح میشه، چی می‌گن؟ "نه! من قطعاً اینو نمی‌گم!" خُب، بهتره که اینو نگید! چون حالا شما نه تنها برگزیدگی رو انکار کردید، بلکه انجیل رو هم انکار کردید. می‌گی: "خُب، آیا به خاطر اینکه خدا شما باهوش‌ترید؟" نه. چون اگه بله بگید، من می‌گم: "چرا شما باهوش‌ترید؟ شما هوشتون رو از کجا میارید؟ خدا هوش بیشتری به شما داده و به دیگری نداده؟" من می‌گم: "خُب، چرا این‌طوره؟" "خُب، چون من بله گفتم و او نه گفت." "من گفتم: "می‌دونم. این چیزیه که ما بررسی می‌کنیم."

چرا شما بله گفتید؟ چه‌طوری می‌تونید اون جا بشینید و فکر نکنید که این به خاطر این بود که وقتی شما پاسخ درست رو دادید و دوستتون پاسخ غلط داد، شما عادل‌تر هستید؟ من می‌گم، تنها دلیلی که شما پاسخ درست دادید، اینکه خدا با فیضش شما رو تبدیل کرد و شکل داد، شما صنعت او هستید، خلقتی برای به شباهت عیسی مسیح درآمدن. خدا شما رو نجات داد، دلتون رو تبدیل کرد.

برای همین هیچ عدالتی در این نیست. اگه او فقط اینو به شما پیشنهاد میداد و این موضوع سرنوشت ساز رو به دست شما می‌سپرد، در این صورت چیزی داشتید که بهش ببالید، به خاطر این که شما عادل‌تر از کسی هستید که "نه" گفت. چون این پاسخ به خداست و پاسخ درست، بله هست. و نه گفتن به خدا، گناهه. شما گناه نکردید. اون شخص گناه کرد. شما چیزی دارید که بهش ببالید.

اما مردم در این مواقع می‌گن: "خُب، شاید من نباید اینو می‌گفتم." بله، اما صبر کنید و تا زمانی که به این نکته نرسیدیم، اینو نگید! هرگز اینو نگید! در هیچ مقطعی اینو نگید! خُب، متن آخر رو به سرعت می‌خونیم. در رومیان، زنجیره‌ی معروف طلایی که درباره‌ی اون در رومیان ۸ می‌خونیم، آیه‌ی موردعلاقه‌ی همه هست. "و می‌دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و به حسب اراده‌ی او خوانده شده‌اند، همه‌ی چیزها برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشند."

زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او نخست زاده از برادران بسیار باشد. و آنانی را که از قبل معین فرمود، ایشان را هم خواند و آنانی را که خواند ایشان را نیز عادل گردانید و آنانی را که عادل گردانید، ایشان را نیز جلال داد. "این جا یک زنجیره هست، ترتیبی که با پیش دانی

شروع میشه. و بعد از پیش دانی، از پیش برگزیدگی. و بعد از پیش برگزیدگی چیه؟ دعوت. از دعوت به عادل شمردگی. از عادل شمردگی به جلال یافتگی.

حالا این بیانیه‌ای هست که بعضی کلمات عمداً ازش حذف شدند، که همه‌ی مفسران درک می‌کنند که چیزی در این متن فرض شده که بیان نشده. و اون کلمه‌ی "همه" هست. همه‌ی کسانی که خدا از پیش شناخت، از پیش معین فرمود و همه‌ی کسانی که از قبل معین فرمود، ایشان را هم خواند، و همه‌ی کسانی را که خواند، عادل شمرده شدند و همه‌ی کسانی که عادل شمرده شدند، جلال یافتند.

حالا، نکته‌ای که این جا خیلی مهمه اینه که مردم به این متن نگاه می‌کنند و میگن: "ببین! اول پیشدانی میاد و برای همین ما به دیدگاه پیشگویی برگزیدگی ایمان داریم، این که خدا از قبل میدونه کی این دعوت رو می‌پذیره و کی نمی‌پذیره و بر اساس این دانش، ما رو انتخاب می‌کنه.

خُب، دوباره، هر دیدگاهی که درباره‌ی از پیش برگزیدگی داشته باشید، باید با پیش دانی شروع بشه، چون خدا نمی‌تونه چیزی یا کسی رو از پیش تعیین کنه که از قبل چیزی در موردش نمیدونه. پس این من رو متعجب نمی‌کنه که این با پیش دانی شروع میشه. اما توجه کنید که همه‌ی کسانی رو که از پیش شناخت، از پیش معین فرمود.

و همه‌ی کسانی که از پیش معین فرمود، اون‌ها رو دعوت کرد. پس این جا درباره‌ی همه‌ی افراد دنیا صحبت نمی‌کنه، بلکه فقط کسانی که از پیش معین فرمود، کسانی که از پیش شناخت، و همه‌ی کسانی که از پیش معین فرمود، دعوت هم شدند. حالا، نکته‌ی کلیدی در این جا اینه که همه‌ی کسانی که دعوت شدند، عادل شمرده شدند.

این یعنی همه‌ی کسانی که دعوت شدند، ایمان رو دریافت می‌کنن، یعنی این متن نمی‌تونه درباره‌ی چیزی صحبت کنه که ما دعوت بیرونی انجیل می‌نامیم، که همه بدون تبعیض در موعظه‌ی عمومی انجیل دعوت شدند، بلکه درباره‌ی دعوت درونی صحبت می‌کنه، دعوت عملی خدای روح‌القدس که خدای روح‌القدس به طور مؤثر قلبتون رو تبدیل می‌کنه.

این چیزیه که ما خواندگی ثمربخش خدای روح‌القدس می‌نامیم که چیزی رو در دلمون ایجاد می‌کنه که خدا تعیین کرده که پیش از آفرینش دنیا انجام بده، که این از پیش برگزیدگی به تحقق برسه، این که همه‌ی کسانی که از پیش معین شدند، به طور مؤثر توسط روح‌القدس دعوت بشن؛ همه‌ی کسانی که توسط روح‌القدس دعوت شدند، عادل شمرده بشن؛ و همه‌ی کسانی که عادل شمرده شدند، جلال بیابند.

اگر ما مقوله‌های آرمینین رو در این زنجیره‌ی طلایی به کار ببریم، باید بگیم بعضی از کسانی که از پیش شناخته شدند، از پیش تعیین شدند، بعضی از کسانی که از پیش تعیین شدند، دعوت شدند یا بعضی از کسانی که دعوت

شدند، عادل شمرده شدند، بعضی از کسانی که عادل شمرده شدند، جلال یافتند، و کل این متن هیچ مفهومی ندارد.